

تلشی درس پر معرفت



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 

 [Www.ToranjBook.Net](http://Www.ToranjBook.Net)

 [ToranjBook\\_Net](#)

 [ToranjBook\\_Net](#)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

## ترجمه و حل تمرینات عربی یازدهم تجربی و ریاضی

### الدرس الاول

از آیه های اخلاق

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی (از مردان)، گروهی دیگر را مسخره کنند شاید (آن مسخره شده ها) بهتر از آنها باشند. و نباید زنانی، زنانی دیگر را (مسخره کنند) شاید (آن مسخره شده ها) (بهتر از آنها باشند).

واز خودتان عیجویی نکنید و به یک دیگر لقب های رشت ندهید. بدادست پس از ایمان آوردن نام فاسق(برکسی نهادن). و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمکارانند.

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید همانا بعضی از گمان ها گناه است. و تجسس نکنید و نباید بعضی از شما غیبت بعضی کند. آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مرده است بخورد. البته از آن متفقیرید(بیزارید) و از خدا پرواکنید که خداوند بسیار توبه پذیرمهربان است. شاید در بین مردم کسی باشد که از ما بهتر است. پس باید از خود پسندی دوری کنیم و عیب های دیگران را با سخن پنهانی یا با اشاره ای بیان نکنیم. امیر مؤمنان علی(ع) فرموده است: بزرگترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در توست (برای دیگران) عیب بشماری.

آیه اول به ما پندمی دهد و می گوید: از دیگران عیجویی نکنید. و آنها را با لقب هایی که آن را ناپسندمی دارند، لقب ندهید. چه بد کاری است آلوه شدن به گناه. و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

بنابراین خداوند متعال در این دو آیه حرام کرده است:

۱ دیگران را مسخره کردن، و آنها را با نام های رشت نامیدن. -

۲ بدگمانی را، و آن تهمت زدن شخصی به شخص دیگر بدون دلیل منطقی است. -

۳ تجسس کردن را، و آن تلاشی رشت برای آشکار کردن راز های مردم بخاطر رسوا کردنشان است. و آن از گناهان بزرگ و از اخلاق بد در مکتب ماست.

۴ و غیبت کردن را، و آن از مهمترین علت های قطع ارتباط بین مردم است. -

بعضی از مفسران سوره ی حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره ی اخلاق نامیدند.

تلاشی در مسیر موفقیت

## عَيْنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الْدَّرْسِ:

۱- سَمِّيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجَّرَاتِ بِعَرَوْسِ الْقُرْآنِ.

۲- حَرَمَ اللَّهُ فِي هَاتِينِ الْآيَتَيْنِ اِلِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَدْ.

۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذَكُّرُ أَخَاكَ وَأَخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُونَ.

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَا النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْخَرِّينَ.

۵- الْسَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْخَرِّينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ .

۱- سمی بعض المفسرین سوره الحجرات بعروس القرآن. **غلط است**

ترجمه: برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.

۲- حرم الله في هاتین الآیتین الاستهزاء و الغیبه فقط. **غلط است**

ترجمه: خداوند در این دو آیه فقط مسخره کردن و غیبت کردن را حرام کرد.

۳- الغیبه هی ان تذکر اخاك و اختک بما يکرها. **درست است**

ترجمه: غیبت این است که تو برادر و خواهرت را یاد کنی به آنچه که آنها را ناراحت می کند(از آن بدشان می آید)

۴- ان الله ينهى الناس عن السخرية من الاخرين. **درست است**

ترجمه: قطعا خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران بر حذر می دارد

۵-السعی لمعرفه اسرار الاخرين امر جميل. **غلط است**

ترجمه: تلاش برای آگاهی از اسرار دیگران کاری زیباست

### إِخْتِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمَ الْحَادِيثَ التَّالِيَّةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

ترجمه: داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.

أعلم: اسم تفضيل(داناترین)

۲- أَحَبُّ عَبْدَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادَهِ:

ترجمه: محبوبترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان نسبت به بندگانش است.

أحب: اسم تفضيل(محبوبترین)

۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ:

ترجمه: بهترین کارها کسب حلال است

افضل: اسم تفضيل(بهترین)

## اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمَ الْعُبَارَاتِ التَّالِيَةَ

۱- سَرَبَنَا أَمْنًا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ:

ترجمه: پروردگار ايمان آورديم بر ما ببخشاي و به ما رحم کن[كه] تو بهترین رحم کنندگاني

خير: اسم تفضيل(بهترین)

۲- خَيْرُ إخْوَانَكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عِيُوبَكُمْ:

ترجمه: بهترین برادران شما کسي است که عيبهايتان را به شما هديه کند

۳- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ:

ترجمه: بگو پناه می برم به پروردگار سپيده دم از شر آنچه آفرید.

۴- لِيَلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ:

ترجمه: شب قدر بهتر از هزار ماه است

۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتَهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ:

ترجمه: هر کسي که شهوت او بر عقلش غلبه نماید او از حیوانات بدتر است

۶- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ:

ترجمه: بدترین مردم دورويان هستند

## اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمَ الْأِيَّةَ وَ الْعُبَارَةَ، ثُمَّ عِيْنَ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّقْضِيلِ.

۱- وَجَادَلُهُمْ بِالِّتِي هِيَ أَحْسَنُ، إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ:

ترجمه: و با آنها به روشي که نیکوتر است مجادله (ستيز) کن پروردگارت به[حال] کسي که از راه او منحرف شده داناتر است

احسن: اسم تفضيل: نیکوتر، خوبتر

اعلم: اسم تفضيل: داناتر

۲- كَانَتْ مَكْتَبَةُ جَنْدِي سَابُورْ فِي خُوزَسْتَانِ أَكْبَرَ مَكْتَبَةً فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ:

ترجمه: کتابخانه جندی شاپور در خوزستان بزرگترین کتابخانه در جهان قدیم بود.

مكتبه: اسم مكان: کتابخانه

أكبر: اسم تفضيل: بزرگترین

در گروه های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید

ءارسالی جناب آقای سکاکی  
حواردرس اول (صفحه ۱۷ عربی یازدهم مشترک)

(در بازار مشهد)

لباس فروش	زائر عرب
علیکم السلام (درود بر شما) ، خوش آمدید .	سلام علیکم (درود بر شما)
شصت هزار تومان .	قیمت این پیراهن مردانه چقدر هست ؟
قیمت پنجاه هزار تومان داریم . بفرما نگاه کن .	ارزانتر از این میخواهم . این قیمت ها گران(بالا) است .
سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش .	چه رنگی دارد ؟
قیمت ها از هفتادوپنج هزار شروع می شود تا هشتادوپنج هزار تومان .	این پیراهن های زنانه چند تومان هست ؟
خانم ، قیمت بر حسب جنس مختلف است .	قیمت ها گران هست (بالاست) !
شلوار مردانه نود هزار تومان ، و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان .	این شلوارها چند تومان هست ؟
آن مغازه‌ی همکارم هست ، شلوارهای بهتری دارد .	شلوارهایی بهتر از اینها می خواهم .
در مغازه‌ی همکارش	
مبلغ دویست و سی هزار تومان شد .	لطفا ، یک شلوار از این جنس به من بده و ...
بعد از تخفیف به من دویست و بیست هزار بده .	مبلغ چقدر شد ؟

### الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعَجَمِ الدِّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيَّاتِ التَّالِيَّةَ؟

۱ جعله حراماً : ..... ◆ آن را حرام گرانید. ▲ (حرّم)

۲ الَّذِي لَيْسَ حَيَاً : ..... ◆ کسی که زنده نیست ▲ (میت)

۳ الدُّنْوُبُ الْكَبِيرَةُ : ..... ◆ گناهان بزرگ ▲ (كبائر)

۴ الَّذِي يَتَبَلَّ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ : ..... ◆ کسی که توبه را از بندگانش می پذیرد..

▲ (تَوَّاب)

۵ تسمية الآخرين بالاسماء القبيحة : ..... ◆ نامیدن دیگران با اسم های زشت.

▲ (تَنَابُرٌ بِالْأَلْقَابِ).

۶ ذكر ما لا يرضي به الآخرين في غيابهم : .....

◆ ذکر کرد آنچه را که دیگران در نبودشان به آن راضی نیستند (نمی باشند) ▲ (إغتاب)

### الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبُوَيَّةَ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبَ مِنَكَ.

١ حسنُ الْخُلُقِ نَصْفُ الدِّينِ .

◆ خوش اخلاقی نصف دین است .

▲ مبتدا : حسن

▲ خبر : نصف

٢ مِنْ سَاءِ حُلْفُهُ عَذَابٌ نَفَسَةٌ

◆ هر کس اخلاقش بد شود ، خودش را عذاب می دهد .

▲ مفعول : نفس

٣ إِنَّمَا بُعْثُ لِأَتْمَمِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ .

◆ تنها برای این که ارزش‌های اخلاق را کامل کنم ، برانگیخته شدم

▲ فعل ماضی مجهول : بعثت

▲ مفعول : مکارم

٤ اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنَتْ خُلُقِيْ ، فَحَسِّنْ خُلُقِيْ .

◆ خدایا همانطور که آفرینشم را نیکو کردی ، اخلاقم را نیکو گردان ..

▲ فعل ماضی : حسنت

▲ فعل امر : حسن

٥ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ ..

◆ چیزی در ترازوی (اعمال) از اخلاق نیکو ، سنگین تر نیست .

▲ اسم تفضیل : أثقل

▲ جار و مجرور : فِي الْمِيزَانِ ، مِنَ الْخُلُقِ

تلاشی در مسیر موفقیت

### التمرين الثالث: ترجم الفعال والمصادر التالية.

ترجم الأفعال و المصادر التالية		التمرين الثالث	الدرس الثاني
حسن	أحسن	يحسن	قد أحسن
نيكى كردن	نيكى كن	نيكى مى كند	نيكى كرده است
اقتراب	لا تقتربوا	يقتربون	اقرب
نزديك شدن	نزيك نشويد	نزيك مى شوند	نزيك شد
انكسار	لا تنكسِ	سينكيسِز	انكسر
شكسته شدن	شكسته نشو	شكسته خواهد شد	شكسته شد
استغفار	استغفِرْ	يستغفِرْ	استغفرْ
أمرزش خواستن	أمرزش بخواه	أمرزش مى خواهد	أمرزش خواست

ترجم الأفعال و المصادر التالية		التمرين الثالث	الدرس الأول
مسافرة	لا تُسافِرْ	لَا يُسافِرْ	مَاسافِرْتُ
سفر كردن	سفرنکن	سفر نمی کند	سفر نکردم
تعلم	تعلّم	يتعلّمان	تعلّم
ياد گرفتن	ياد بگیر	ياد می گیرند	ياد گرفت
تبادل	لا تبادلُوا	تَبَادلُونَ	تبادلُتُمْ
عوض كردن	عوض نکنید	عوض می کنند	عوض کر دید
تعليم	علِمْ	سَوْفَ يُعْلَمُ	قد عَلِمْ
آموزش دادن	آموزش بدَه	آموزش خواهد داد	آموزش داده است

### التمرين الرابع: أكتب العمليات الحسابية التالية كالمثال:

حل تمرين چهارم (التمرين الرابع)

١) عشرة زائدة أربعة يساوى اربعة عشر .

ده به علاوه چهار مساوى چهارده است .

٢) مئة تقسيم على إثنين يساوى خمسين .

صد تقسیم بر دو مساوی پنجاه است.

۳) ثمانیة فی ثلاثة يساوى أربعة و عشرين .  $8 \times 3 = 24$

هشت ضرب در سه مساوی بیست و چهار است.

۴) ستة و سبعون ناقص أحد عشر يساوى خمسة و ستين .  $76 - 11 = 65$

هفتاد و شش منهاي يازده مساوی شصت و پنج است.

## الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْأَعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ

۱) فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ .

ترجمه: پس خداوند آرامش را بر فرستاده اش و بر مومنان نازل کرد.

سکینت: مفعول و منصوب

رسول: مجرور به حرف جر

۲) لَا يَكِلْفُ اللَّهُ نُفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا .

ترجمه: خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.

الله: فاعل و مرفاع / نفساً: مفعول و منصوب.

۳) السَّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ .

ترجمه: سکوت کردن طلا هست و سخن گفتن نقره هست.

الكلام: مبتدأ و مرفاع / فضة: خبر و مرفاع

۴) أَحَبُّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ .

ترجمه: محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگانش است.

أَحَبُّ: مبتدأ و مرفاع / عباد مضاف إليه و مجرور

الله: مجرور به حرف جر / أَنْفَع: خبر و مرفاع

۵) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِّنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ .

دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان هست.

عداؤ: مبتدأ و مرفاع

خَيْرٌ: خبر و مرفاع

صداقۃ: مجرور به حرف جر

**الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمُ التَّرَاكِيبَ وَ الْجُمَلِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيْنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ مُبَالَغَةِ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.**

۱-پرودگار مشرق(شرق) و مغرب(غرب)

شرق و مغرب: اسم مکان

۲-ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد

المحسنین: اسم فاعل

۳-ای مهربانترین مهربانان

الراحمین: اسم فاعل

۴-ای پوشاننده هر عیوبی

ساتر: اسم فاعل

۵-ای بسیار امرزنده گناهان

غفار: اسم مبالغه

## الدَّرْسُ الثَّانِي

### ترجمه مدل ۱

**في محضر المعلم در پيشگاه معلم**

في الحصة الأولى كان الطالب يستمعون إلى كلام مدرس الكيمياء، وكان بينهم طالب مشاغب قليل الأدب، يضرُّ الطلب سلوكه، يلتفُّ تارةً إلى الوراء و يتكلُّم مع الذي خلفه و تارةً يهمسُ إلى الذي يجلس جنبه حين يكتب المعلم على السبورة.

در زنگ اول، دانش آموزان به سخنان معلم شیمی گوش می دادند، در بین آنها دانش آموزی آشوبگر و کم ادبی بود، با رفتارش به دانش آموزان ضرر میرساند، کاه به پشت سر خود روی بر می گرداند و با کسیکه پشت سرش بود صحبت می کرد و کاه هنگامی که معلم روی تخته سیاه می نوشت، با کسی که در کنارش می نشست آهسته سخن می گفت.

وفي الحصة الثانية كان الطالب يسأل معلم علم الأحياء تغفت أ ؛ وفي الحصة الثالثة كان يتكلُّم مع زميلٍ مثله و يضحك ؛ فنصحه المعلم و قال : من لا يستمع إلى الدرس جيداً يرسب في الامتحان . ولكن الطالب استمرَّ على سلوكه .

در زنگ دوم، دانش آموز برای مج گیری، از معلم زیست شناسی سوال می کرد؛ و در زنگ سوم با همکلسو شبيه خود صحبت می کرد و می خنید؛ معلم اورانصیحت کرد و گفت: هر کس خوب به درس گوش ندهد در امتحان مردود می شود. ۱۱ ما دانش آموز به رفتارش ادامه داد.

فَكَرْ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمُشْكِلَةِ، فَدَهَبَ إِلَى مُعْلِمِ الْأَدْبِ الْفَارِسِيِّ وَشَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَقَالَ : أَحَبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِنْشَاءً تَحْتَ عَنْوَانِ "فِي مَحَضِرِ الْمُعْلِمِ"؛ فَوَافَقَ الْمُعْلِمُ عَلَى طَلْبِهِ وَقَالَ لَهُ :

مهران پیرامون این مشکل اندیشید، پس نزد معلم ادبیات فارسی رفت و موضوع را برایش توضیح داد و گفت : دوست دارم انشائی با عنوان "در پیشگاه معلم "بنویسم؛ پس معلم با درخواستش موافقت کرد و به او گفت :

إِنْ تُطَالِعَ كِتَابَ "مُنْيَةَ الْمُرِيدِ" لِرَبِّينِ الْأَدِينِ الْعَالَمِ ا يَ "الشَّهِيدِ الثَّانِي" يُسَاوِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنْشَائِكَ ؛ ثُمَّ كَتَبَ مِهْرَانُ إِنْشَاءَهُ وَأَعْطَاهُ لِمَعْلِمِهِ . فَقَالَ الْمُعْلِمُ لَهُ: إِنْ تَقْرَأُ إِنْشَاءَكَ أَمَامَ الْطَّلَبِ فَسَوْفَ يَتَبَاهَ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ.

اگر کتاب "منیه المرید" از زین ال ا دین العاملی "شهید ثانی" را مطالعه کنی، تو رادر نوشتن انشایت کمک می کند ، سپس مهران انشایش را نوشت و آن را به معلمش داد . معلم به او گفت :اگر انشایت دربرابر دانش آموزان بخوانی، همکلنسی آشویگرت متوجه خواهد شد.

وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنْشَائِهِ:

وَإِنْ بَخْشَى از مِنْ إِنْشَاءِ اوْسَتْ:

...أَلَّفَ عَدَدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتُبًا فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَّةِ وَالْتَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعْلِمِ، وَالْأُخْرَى بِالْمُتَعَقِّمِ؛ وَلِلْطَّالِبِ فِي مَحَضِرِ الْمُعْلِمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجُحُ؛ أَهْمُهَا:

...تعدادی از دانشمندان، کتابهایی در زمینه های آموزش و پرورش تألیف کردند، برخی از آنها به معلم و برخی دیگر به دانش آموز مربوط می شود؛ قطعاً برای دانش آموز در پیشگاه معلم آدابی وجود دارد، که هر کسیه آن پاییند پاشد؛ موفق می شود؛ مهمترین آنها:

١- أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْأَمِرَ الْمُعْلِمِ . از فرمان های معلم سرپیچی نکند.

٢. الْاجْتِنَابُ عَنْ كَلْمٍ فِيهِ إِسَاعَةٌ لِلْأَدَبِ . دوری کردن از سخنی که در آن بی ادبی باشد.

٣. أَنْ لَا يَهْرُبَ مِنْ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ . از انجام تکاليف مدرسه فرار نکند.

٤. عَدُمُ النُّؤُمِ فِي الصَّفَّ، عِنْدَمَا يُدْرِسُ الْمُعْلِمُ . هنگام درس دادن معلم، در کلس نخوابد.

٥. أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الْطَّلَبِ عِنْدَمَا يُدْرِسُ الْمُعْلِمُ . هنگامی که معلم می دهد با دیگر دانش آموزان صحبت نکند.

٦. أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلْمَهُ، وَلَا يَسْبِقَهُ بِالْكَلْمِ، وَيَصِيرَ حَتَّى يَقْرُغَ مِنَ الْكَلْمِ.

سخن را قطع نکند، و در سخن از او پیشی نگیرد، و صبر کند تا از سخن گفتن فارغ شود.

٧. الْجُلوُسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَالْاسِتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدْمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِضَرُورَةِ.

با ادب در برابر او نشستن، و با دقت به سخنانش گوش دادن، و روی بر نگردندن به پشت سر مگر هنگام ناچاری.

لاما سمع الطالب المشاغب انشاء مهران، ندم و خجل على سلوكه في الصفة.

وقتی دانش آموز آشوبگر، إنشای مهران را شنید، پشیمان شد و از رفتارش در کلس خجالت کشید.

قالَ الْأَشَاعِرُ الْمَصْرِيُّ، أَحْمَدُ شَوْقِيُّ عَنِ الْمُعَلِّمِ : أَحْمَدُ شَوْقِيُّ، شَاعِرُ مَصْرَى دَرْبَارَهُ مَعْلُومٌ كَفَتْ :

فُمِ الْمَعَلِّمِ وَفِي التَّبَجِيلِ بِرَايِ مَعْلُومٍ بِرَخِيزِ وَاحْتِرَامِشِ رَاكَامِلِ بِجَاهِ آورِ

كَادَ الْمَعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا نَزَدِيًّكَ بُودَ مَعْلُومٍ (چون) (پیامبر باشد)

أَعْلَمُتْ أَشَرَفَ أَوْ أَجَلَ مِنَ الَّذِي آيَا فَهَمِيدِي (که او) (پزرگوارتر و گرانقدرتر از کسی است که

بَيْنِي وَيَنْشِئُ أَنْفُسَ أَوْ عَقْوَلَةَ مَنْ سَازَدَ وَجَانَهَا وَخَرَدَهَا رَاپِرُورَشَ مَنْ دَادَ

أَكْتُبْ جَوَابًا قَصِيرًا، حَسَبَ نَصِّ الدَّرِسِ.

۱) إلى منْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟

◆ ترجمة : مهران نزد چه کسی رفت ؟

▲ ذَهَبَ مِهْرَانُ إِلَى مَعْلِمِ الْأَدَبِ الْفَارَسِيِّ

▲ مهران نزد معلم ادبیات فارسی رفت.

۲) كَيْفَ يَحِبُّ الْجُلوْسُ أَمَامَ الْمَعَلِّمِ

◆ نشستن جلوی معلم چگونه باید باشد ؟

▲ عَلَى التَّلَمِيذِ أَنْ يَجِلِّسَ أَمَامَ الْمَعَلِّمِ بِإِذْنِ

▲ دانش آموز باید در مقابل معلم با ادب بنشیند.

۳) كَيْفَ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَقَثُ إِلَى الْوَرَاءِ؟

◆ اخلاق (رفتار) دانش آموزی که به عقب رو بر می گرداند چگونه بود ؟

▲ كَانَ طَالِبًا مُشَاغِبًا وَ قَلِيلُ الْأَدَبِ

▲ دانش آموز شلوغ و بی ادبی بود.

۴) ما اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ

◆ نام کتابی که مهران آن را در زمینه پرورش و آموزش خواند چیست ؟

▲ كتاب "مُنْيَةُ الْمُرِيدِ لِزَيْدِ الدِّينِ عَامِلِيِّ" الشَّهِيدُ الثَّانِي

▲ كتاب منیه المرید زین الدين عاملی شهید دوم

۵) في أَيِّ حَصَّةٍ كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟

◆ در کدام زنگ دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش فرا می دادند ؟

▲ في الحِصَّةِ الأولى كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الكِيَمِيَاءِ

▲ در زنگ اول دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش فرا می دادند .

**اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيْنِ أَدَاءَ الشَّرْطِ وَ فَعْلَ الشَّرْطِ، وَ جَوابَهُ.**

الدرس الثاني

#عربی\_مشترک\_یازدهم

#اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

ارسالی خانم رسولی

◆ ترجم الآيات ثم عين أداة الشرط و فعل الشرط و جوابه :

1 وَمَا تَقْدِمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ

ترجمه : و هرچه از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خدا می یابید

ما : أداة الشرط

تقدموا : فعل الشرط

تجدوا : جواب الشرط

2

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهُ يَنْصُرُكُمْ وَيُئْثِبُ أَقْدَامَكُمْ :

ترجمه : اگر خدا را یاری کنید (خدا) شما را یاری می کند و قدمهایتان را

استوار می سازد.

إن : أداة الشرط

تصنروا: فعل الشرط

ينصركم : جواب الشرط

3

وَإِذَا خَاطَبُهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا :

ترجمه : و اگر افراد نادان آنها را خطاب کنند سخن آرام می گویند.

ترجمه لفظی : و اگر افراد نادان آنها را خطاب کردند سخن آرام گفتند

إذا : أداة الشرط

خاطب : فعل الشرط

قالوا : جواب الشرط

#درس\_۲\_اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

01 21:24

## الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ : عَيْنُ الْجُملَةِ الصَّحِيحةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ ✓

#الدرس الثاني  
#عربى-مشترك-يازدهم  
#التمرين الأول

ارسالى خانم صادقيان

أكثُب جواباً حسب النص الدرس

1 التَّعْنِيَّةُ طَرَخَ سُؤَالٍ صَعِبٍ يَهْدِي إِيجَادَ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْؤُلِ  
ترجمه :

مج گيري طرح سؤال سخت به هدف ایجاد مشقت برای سؤال شونده است.

درست

2 عِلْمُ الْأَخْيَاءِ عِلْمٌ مَطَالِعَةٌ حَوَاطُ الْعَنَاصِرِ

ترجمه :  
زیست شناسی دانش مطالعه ویژگیهای مواد است.

غلط

3 الْإِلْتِفَاثُ هُوَ كَلَامٌ حَقِيقَى تَبَيَّنَ لِشَخْصَيْنِ .

ترجمه :  
التفات همان سخن پنهانی بین دو نفر است.

غلط

4 السُّبُورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطَّلَابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ

ترجمه :  
تحته سیاه تابلویی در مقابل دانش آموزان است که بر آن نوشته می شود.

درست

21:38 ✓

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي : تَرْجِمَ الْأَيْةَ وَالْأَحَادِيثَ وَعَيْنَ فِعْلِ الشَّرْطِ وَجَوَابِهِ، ثُمَّ عَيْنَ الْمُطْلُوبِ مِنَكُمْ .

1 وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ .

ترجمه : و هر آنچه از خیر و نیکی انفاق کنید مسلماً خداوند به آن آگاه است .

ما : اداة شرط ▲

▲ تنفقوا : فعل شرط

▲ فإنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ : جواب شرط

○ ▲ خَيْرٌ : مجرور به حرف جر

▲ مِنْ خَيْرٍ : جار و مجرور.

□ ٢ مِنْ عَلَمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهِ لَا يَنْفَصُمُ مِنْ أَجْرِ الْعَالِمِ .

◆ هر کس دانشی را یاد دهد پس او پاداش کسی را دارد که به آن عمل می کند و از پاداش عمل کننده کم نمی شود .

▲ مِنْ : اداة شرط

▲ عَلَمٌ : فعل شرط

▲ فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهِ : جواب شرط

▲ الْعَالِمِ : اسم فاعل

□ ٣ النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهَلُوا .

◆ مردم دشمن چیزی هستند که ندانستند (نمی دانند).

▲ أَعْدَاءُ : جمع مكسر

▲ مفرد آن : عَدُوٌّ

□ ٤ إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقْصَنَ الْكَلَامُ .

◆ هر گاه عقل کامل شود سخن کم می شود.

▲ إِذَا : اداة شرط

▲ تَمَّ : فعل شرط

▲ نَقْصَنَ : جواب شرط ▲ العَقْلُ : فاعل

▲ الْكَلَامُ : فاعل

□ ٥ الْعَالِمُ حَىٰ وَ إِنْ كَانَ مِيتًا .

◆ دانشمند زنده است و اگر چه مرده باشد.

▲ الْعَالِمُ : مبتدأ و مرفوع

## ▲ حُّ : خبر و مرفوع

٦ قم عن مجلس لا يبيك و معلميك و إن كنت أميراً .

◆ از جایت به خاطر پدرت و معلمت برخیز اگر چه فرمانده باشی . ▲ مجلس : اسم مکان

## ▲ معلم : اسم فاعل

### الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ : تَرْجِيمُ الْأَفْعَالِ وَالْمَصَادِرِ التَّالِيَةِ .

هارسالی آقای سکاکی

تمرین سوم درس دوم (صفحه ۲۲ عربی بازدهم عمومی)

المصدر	الأمرُ و النَّهْيُ	المضارع	الماضي
الإنقاد : نجات دادن	أنقذ : نجات بده	ينقذ : نجات من دهد	قد أنقذ : نجات داده است
الابتعاد : دور شدن	لاتبتعد : دور مشو	لا يبتعد : دور نمی شود	ابتعد : دور شد
الانسحاب : عقب نشيئی کردن	لاتستحب : عقب نشيئی نکن	ستستحب : عقب نشيئی خواهد کرد	استسحب : عقب نشيئی کرد
الاستخدام : به کار گرفتن	استخدم : به کار بگیر	يستخدم : به کار من گیرد	استخدتم : به کار گرفت
المجالسة : همنشینی کردن	جالس : همنشینی کن	يجالس : همنشینی من کند	جالن : همنشینی کرد
التذكر : به یاد آوردن	لاتذكر : به یاد میاور	يذكر : به یاد من آورد	ذكر : به یاد آورد
التعابش : همزیستی کردن	تعابش : همزیستی کن	يتعابش : همزیستی من کند	تعابش : همزیستی کرد
التحریم : حرام کردن	لاتحرِم : حرام نکن	يحرِم : حرام من کند	قد حرِم : حرام کرده است

تلاشی در مسیر موفقیت

## التمرين الرابع : ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانتها المناسب .

#الدرس\_العاني  
#التمرين\_الرابع  
#عربي\_مشترك\_يازدهم

ارسالى خانم ميرزاين

ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانتها المناسب .

هؤلاء ناجحات / هذان المكييفان / تلك الحصة /  
أولئك مستمعون / هؤلاء جنود / هاتان البطاقتان /

مفرد مؤنث : تلك الحصة  
آن ذنگ

مثنى مذكر : هذان المكييفان  
اين ، دو کولر (اين کولر ها)

مثنى مؤنث : هاتان البطاقتان  
اين دو کارت (اين کارت ها)

جمع مذكر سالم : أولئك مستمعون  
آنها شتونده اند

جمع مؤنث سالم : هؤلاء ناجحات  
اين ها موقف هستند

جمع مكسر : هؤلاء جنود  
اين ها سربازند

//سورايش شده 23:07

## التمرين الخامس : ضع المتأدفات و المتضادات في مكانتها المناسب ( ≠ = )

تلاشی در مسیر موفقیت

#الدرس\_الثاني  
#التمرين\_الخامس  
#عربي\_مشترك\_يازدهم

ارسالی خانم میرزا<sup>ای</sup>

ضع المفردات و المضادات في مكانها المناسب .

وَد / بَعْد / تَكَلْم / إِجْلِش / نِهَايَة / عَدَاوَة /  
إِحْتِرَام / أَحْيَاء / مَرْأَة / نَفْع / ذَئْب / هَرَب /

إِثْم = ذَئْب : گناه  
تَبْجيْل = إِحْتِرَام ، بِزَرْگَداشت  
تَارَةً = مَرْأَة : يکبار (گاهی)  
خَبَّ = وَد : عشق  
فَرْ = هَرَب : فرار کرد (گریخت)

أَمْوَات ≠ أَحْيَاء (مَرْدَگَان ≠ زَنْدَگَان)  
ذَنَّا ≠ بَعْد (نَزَدِيكَ شَد ≠ دُورَ شَد)  
قَم ≠ إِجْلِش (بِرْخِيز ≠ بِنْشِيزِين)  
صَرَّ ≠ نَفْع (ضَرَرَ كَرَد ≠ مَنْفَعَتَ كَرَد)  
بِدَائِيَة ≠ نِهَايَة (ابْتِدا ≠ پَايَان)  
سَكَث ≠ تَكَلْم (سَكُوتَ كَرَد ≠ صَحبَتَ كَرَد)  
صَدَاقَة ≠ عَدَاوَة (دوْسَتَي ≠ دَشْمنَي )

23:27 ✓

تلاشی در مسیر موفقیت

## الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ : أَكْمَلْ تَرْجِمَةَ الْآيَاتِ وَالْحَادِيثِ، ثُمَّ عَيْنُ أَدَاءَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَ جَوابَهُ.

#الدرس\_الثاني  
#عربی\_مشترک\_یازدهم  
#التمرين\_الستادس

◆ أَكْمَلْ تَرْجِمَةَ الْآيَاتِ وَالْحَادِيثِ، ثُمَّ عَيْنُ أَدَاءَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ وَ جَوابَهُ .

1 وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ .  
ترجمه : و آنچه از کار خیر ... (انجام دهید) ، خدا آن را می داند .  
ما : اداء شرط  
تفعلوا : فعل شرط  
يعلم : جواب شرط

2 إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ .  
ترجمه : اگر نیکی کنید ، به خودتان ... (نیکی کردید)  
من : اداء شرط  
احسنتم : فعل شرط  
احسنتم : جواب شرط

3 إِنْ تَتَّقُوا اللَّهُ يَجْعَلُ لَكُمْ فَرْقَانًا .  
ترجمه : اگر از خدا پروا کنید ، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل ...  
(قرار می دهد)  
ان : اداء شرط  
تتقوا : فعل شرط  
 يجعل : جواب شرط

4 مَنْ سَأَلَ فِي صَغْرِهِ، أَجَابَ فِي كَبِيرِهِ .  
ترجمه : هر کس در بزرگسالی اش بپرسد ، در بزرگسالی اش ...  
(جواب دهد)  
من : اداء شرط  
سال : فعل شرط  
اجابت : جواب شرط

## الْدَّرْسُ الْثَالِثُ

### شگفتگی‌های درختان

پدیده های طبیعت یک حقیقت را اثبات می کنند و آن قدرت خداست. و اکنون بعضی از این پدیده ها را توصیف می کنیم:

انگور بزرگی درختی است که با بقیه درختان جهان تفاوت دارد، در بزرگی روی میوه های آن روی تنهاش رشد می کند و از مهم ترین ویژگی های این درخت اینست که در طول سال میوه می دهد.

درخت سکویا درختی از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا است، گاهی بلندی بعضی از آنها به بیش از ۱۰۰۰ متری رسید و گاهی قطر آن بالغ بر ۹ متر می شود، و عمرش تقریباً افزون بر ۳۵۰۰ سال می شود.

درخت خفه کننده درختی است که در بعضی از جنگل های استوایی رشد می کند، زندگیش را با پیچیدن دور تن و شاخه ای درختی آغاز می کند، سپس به تدریج آن را خفه می کند. نوعی از آن در جزیره ای قشم وجود دارد که در استان هرمزگان واقع است.

تلشی درس پرورشی



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 

 [Www.ToranjBook.Net](http://Www.ToranjBook.Net)

 [ToranjBook\\_Net](https://ToranjBook_Net)

 [ToranjBook\\_Net](https://ToranjBook_Net)

درخت نان درختی استوایی است که در جزایر اقیانوس آرام رشد می کند، و در انتهای شاخه هایش میوه هایی مثل نان دارد. مردم مغز این میوه ها را می خورند.

درخت نفت درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچینی دور مزرعه ها برای حفاظت محصولاتشان از حیوانات به کار می گیرند. زیرا بوی این درخت بد و ناخوشایند است که حیوانات از آن فرار می کنند، و دانه هایش مقداری روغن دربردارد که سوختن آن ها باعث خارج شدن هیچ نوع از گازهای آلوده کننده نمی شود و تولید نفت از آن امکان دارد (ممکن است). و یک نوع از آن به اسم درخت مداد در شهر نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد.

درخت بلوط از درختان کهن سال است و گاهی ۲۰۰۰ سال عمر می کند. جنگل های زیبایی از آن در استان یلام و استان لرستان وجود دارد. سنجد بعضی از دانه های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می کند، و گاهی جایش را فراموش می کند. و در سال آینده آن دانه بلوط رشد می کند و درختی می شود. کشاورزی کنید و نهال بکار برد ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.

ضع في الفراغ كلمة مناسبة حسب نص الدرس.

- ١- تبدأ الشجرة الخانقة حياتها بالاتفاق ..... حول جذع شجرة و غصونها.  
درخت خنکه کننده زندگیش را با پیچیدن به دور تنه یک درخت و شاخه هایش شروع می کند.
- ٢- لا يُسبِّبُ اشتعمال زيوت شجرة النقط خروج أيِّ ملوثةٍ ..... غازات  
آتش گرفتن روغن های درخت نفت موجب خروج هیچ نوع گاز آلوده کننده ای غی شود.
- ٣- توجُّدُ غاباتُ جميَّلةٌ مِنْ أشجارِ البلوطِ في ..... محافظَةِ إيلام و لريستان.  
جنگل های زیبایی ز درخان بلوط در استان ایلام و لرستان بافت می شود.
- ٤- قد يَلْعُغُ ارتفاع بعض أشجارِ السكوايا أكثرَ مِنْ مائةٍ متراً.  
گاهی ارتفاع برخی از درختان سکواها به بیش از 100 متر می رسد.
- ٥- تحملُ شجرةُ الخيز أثماراً في نهاية ..... أغصانها ..... كالحبز.  
درخت نان در انتهای شاخه هایش میوه های مانند نان در بر دارد
- ٦- تَنْمو أَثْمَارُ العَنَبِ البرازيليِّ عَلَى ..... جذع ..... شجرته.  
میوه های انگور برزیلی بر تنه ای درختش رشد می کند

ارسالی خانم میرزاوی ص (٣٠)

اختبار نفسك: ترجم حسب قواعد المعرفة و التكررة .

١- اللَّهُ نُورُ الشَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَقْلُ نُورِهِ كَمَشْكَاهَ فِيهَا مَضْبَاحَ  
الْمَضْبَاحِ فِي زَجَاجَةِ الْزَّجَاجَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ ذَرَّىٰ .

خدا نور آسمان ها و زمین است؛ وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن چراغی است، چراغ در میان قندیل بلورین(شیشه ای) است، که آن قندیل بلورین(شیشه ای) گویی ستاره تابانی است .

٢- أَرْسَلْنَا إِلَيْ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ .  
المزمول (١٦٥ و ١٦٦)

نzd فرعون ، رسولی فرستادیم پس فرعون اذ (آن) رسول نافرمانی کرد .

٣- عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ ، خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ عَابِدٍ . (رسول الله "ص")

دانشمندی که از علم آن بهره برده من شود از هزار عابد بهتر است .

# تلاشی در مسیر موفقیت

## پارسالی افای سکاکی

حوالدرمن سوم (صفحه ۳۸ عربی پازدهم عمومی)

### ( درورزشگاه )

ابراهیم	اسماعیل
برای دیدن چه مسابقه‌ای؟	بیا به ورزشگاه برویم.
این مسابقه بین که؟	برای دیدن مسابقه‌ی فوتبال.
دو نیم دو هفته قبل مساوی شدند. اکدام نیم قویتر است؟ (کدام یک از دو نیم)	بین نیم صداقت و سعادت است. آن را به یاد می‌آورم.
به چشم . بیا برویم .	هردو قوی هستند . باید به ورزشگاه برویم قبل از اینکه از تماشاجی‌ها پُر شود .
در ورزشگاه	
او به سمت دروازه بان سعادت حمله کرد . گل ، گل !	نگاه کن ؛ یکی از مهاجمین نیم صداقت آمد . گلی ثبت خواهد کرد . (یک گل خواهد زد)
شاید به خاطر افساید . نمی‌دانم . آه ، خطأ	اما داور گل را نپنیرفت ؟ چرا ؟!
آفرین ، دروازه بان نیم سعادت مرا خیلی شگفت زده می‌کند .	نگاه کن ، حمله‌ای قدرتمند از جانب بازیکن صداقت .
دو دقیقه به پنج .	ساعت چند است ؟
بار دوم بدون گل مساوی شدند .	داور سوت می‌زند .

ارسالی خانم رحیمی

أی کلیمة من کلمات مفجعِ الدّریں ثناـیـت التّوـضـیـحـاتـ التـالـیـةـ ◆

1 بـحـزـ يـعـاـدـلـ ثـلـثـ الـأـرـضـ تـقـرـيـباـ .

ترجمه : دریایی که تقریباً معادل یک سوم زمین است .

المحيط الہادئ : اقیانوس آرام ▲

2 أـلـتـجـمـعـ وـ الدـوـرـانـ حـوـلـ شـئـ .

جمع شدن و چرخیدن اطراف چیزی .

التفات : در هم پیچیدن ▲

3 أـلـذـىـ يـعـطـيـهـ اللـهـ غـمـراـ ظـوـيـلاـ .

کسی که خدا به او عمری طولانی می بخشد ( می دهد ) .

▲ مُعَمَّرٌ : کهن سال

4 أـلـذـىـ يـعـمـلـ فـيـ الـمـزـرـعـةـ .

کسی که در مزرعه کار می کند .

▲ مزارع ، فلاح ، زارع : کشاورز

5 صـفـاتـ أـحـدـ أـوـ شـئـ .

صفات کسی یا چیزی .

▲ چـوـاـصـفـاتـ :ـ وـيـزـگـيـ هـاـ

ارسالی خانم صادقیان

ترجمة الأحاديث النبوية ثم عين المظلوب مئك

ما من مسلم يزرع زرعاً أو يغرس غرساً فياكل منه ظنيز أو إنسان أو بهيمة إلا كائنة له صدقة

ترجمه : هیچ مسلمانی نیست که زراعتی کشت کند یا نهالی بکارد پس پرندہ یا انسان یا چاریایی از آن بخورد جز اینکه برای او صدقه باشد.

جارو مجرور : من مسلم  
اسم فاعل : مسلم

ما من رجل يغرس غرساً إلا كتب الله له من الأجر قدر ما يخرج منه ثمر ذلك الغرس

هیچ مردی نیست که نهالی بکارد جز اینکه خداوند به اندازه آنچه از میوه آن درخت خارج می شود ، برای او از پاداش نویسد (نوشت)

فعل مضى : كتب  
مفعول : غرساً ، قدر

سئل النبي (ص) : أئ المال خير ؟ قال : زرع زرعة صاحبة

از پیامبر(ص) سوال شد : کدام مال بهتر است ؟  
گفت (فرمود) : زراعتی که صاحبش آن را بکارد.

فعل مجهول : سئل  
فاعل : صاحب  
// ویرایش شده 20:35

# الدرس\_الثالث

# عربي\_مشترك\_يازدهم

# التمرين\_الرابع (الف)

ارسالی خانم صادقیان 

الف: عَيْنُ التَّرْجِمَةِ الصَّحِيحَةِ حَسْبَ قَواعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَالتَّكْرَةِ

1 سِمْعْتُ صَوْتاً عَجِيباً

ترجمه : صدای عجیبی را شنیدم

2 وَصَلَّتْ إِلَى الْقَزِيرَةِ

ترجمه : به روستا رسیدم.

3 نَظَرَةٌ إِلَى الْمَاضِيِّ

ترجمه : نگاهی به گذشته

4 الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ

ترجمه : بندگان درستکار

5 السَّوَارُ الْعَتِيقُ

ترجمه : دستبند کهن

6 الْتَّارِيخُ الْذَّهَبِيُّ

ترجمه : تاریخ زرین

ءارسالی آفای سکاکی

تمرين پنجم درس سوم (صفحه ۵۵ عربی یازدهم عمومی)

اسم الفاعل	المصدر	فعل الأمر	الفعل المضارع	الفعل الماضي
المُوافق	الْتَّوْفِيق	وافِقٌ	يُوافِقُ	
المُؤْفِق	الْمُوافِقة	وَفِيقٌ	يُوَفِّيقُ	وافِقٌ
المُقْرِب	التَّقْرِب	قَرِيبٌ	يُقْرِبُ	
المُتَقْرِب	التَّقْرِيب	تَقْرِيبٌ	يَتَقْرِبُ	تَقْرِبٌ
المُتَعَارِف	الْمُعَاوِفَة	تَعَارِفٌ	يَتَعَرَّفُ	
المُعَرِف	الْمُعَاوِف	إِعْرَافٌ	يَتَعَاوِفُ	تَعَارِفٌ
المُشَتَّغِل	الْأَنْشِغَال	اشْتَغَلٌ	يَشْتَغِلُ	
المُشَتَّغِل	الْأَشْتِغَال	إِنْشَغَلٌ	يَشْتَغِلُ	اشْتَغَلٌ

اسم الفاعل	المصدر	فعل الأمر	الفعل المضارع	الفعل الماضي
المنْفَتِح	الْإِسْفَتَاح	انْفَتَحَ	يَفْتَنَحُ	
المنْفَتِح	الْإِنْفَتَاح	تَفَتَّحَ	يَنْفَتَحُ	انْفَتَحَ
المسْتَرْجِع	الْإِرْتَجَاع	إِسْتَرْجَعَ	يَسْتَرْجَعُ	
المرْجَع	الْإِسْتِرْجَاع	رَاجَعٌ	يَرْتَجَعُ	اسْتَرْجَعَ
المنْزَل	الْنَّزْول	انْزَلَ	يَنْزَلُ	
الثَّازِل	الْتَّثْرِيزِيل	نَزَلَ	يَنْزَلُ	نَزَلَ
الأَكْرَم	الْإِكْرَام	أَكْرَمَ	يَكْرَمُ	
الْمَكْرُم	الْكَرِيم	كَرِيمٌ	يَكْرِمُ	أَكْرَمَ

تلشی درس پرورشی



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 

 [Www.ToranjBook.Net](http://Www.ToranjBook.Net)

 [ToranjBook\\_Net](https://ToranjBook_Net)

 [ToranjBook\\_Net](https://ToranjBook_Net)